


تحریفات تاریخی مذهبی در انیمیشن

شاهزاده مصر

مهدی ترابی مهربانی 



که رنگ وبوی سیاست داشت. مجله نیوزویک پس از قطعی شدن پروژه این چنین تیزرزد: «هالیوود وانجیل؟» این مجله با بررسی این مسئله که رؤسای سه نفره دریم ورکز یعنی «جفری کاتزبرگ»، «استیون اسپیلبرگ» و «دیوید گفن» که از حامیان مالی بیل کلینتون و دارودسته دموکراتش به شمار می آیند، نتیجه گیری کرده است: «برخلاف نظر سرمایه گذاران فیلم و درست مثل گفت وگوهای صلح خاورمیانه، هیچگاه نمی توان از این اثر به عنوان ابزاری برای تنش زدایی در جنگ ادیان استفاده کرد».

«فرانک ریچ» یکی از نویسندگان نیویورک تایمز نیز در مقاله خود نوشت: «حتی اگر «فالول» و دیگر کارشناسان مذهبی بتوانند به دریم ورکز کمک کنند تا از شاهزاده مصر یک بلاک باستر (فیلم پرفروش) بسازد باز هم نفع واقعی آن را لیبرال دموکرات ها خواهند برد».

بنابراین با نزدیک تر شدن زمان پخش فیلم، روزنامه ها و مجلات سینمایی از آن به عنوان اثری یاد می کردند که «کثرت فرهنگی» Cultural Pluralism را تبلیغ می کند زیرا کاتزبرگ، مصرانه سعی می کرد تا بهره گیری از نظریات مذهبی مختلف، پیروان تمام ادیان الهی را راضی نگه دارد. البته این مسأله در تاریخ سینمای آمریکا بی سابقه نبوده است زیرا پیشتر، کارگردانان زیادی مثل سیسیل دیمیل و دیوید «اسلزنیک» نیز سعی کرده بودند با مشورت با کارشناسان مذهبی اعتبار فیلم های خود را در نزد بینندگان بالا ببرند.

امادر حقیقت کاتزبرگ می خواست با تولید یک کارتون جنجالی مثل شاهزاده مصر از شریک سابق

دوستان انیمیشن حتماً مطلع اند که کارتون بلند شاهزاده مصر *Prince of Egypt* به داستان زندگی حضرت موسی (ع) می پردازد. و در ضمن نخستین انیمیشن ساخت شرکت فیلمسازی «دریم ورکز» محسوب می شود. اینکه چرا این استودیو از یک چنین مضمون تاریخی مذهبی به عنوان پایه و اساس نخستین کارتون بلند خود استفاده کرده، نیازمند مقدمه کوتاهی است که در همین جا می آوریم.

در سال ۱۹۹۷ وقتی در هالیوود شایع شد که جفری کاتزبرگ پسر طلالی فیلم های کارتونی و یکی از شرکای سابق دیزنی از علمای بزرگ دین مسیح همچون «رالف برید» و «جری فالول» خواسته است تا او را در ساخت یک اثر حماسی بر اساس یکی از روایات انجیل یاری دهند. رسانه های جمعی همگی پی به قضیه ای بردند،

مردم در قبال جنگ سرد ایجاد کنند. برای مثال امپراطوری روم همواره سمبل کمونیزم در چنین فیلم‌هایی بود. علاوه بر آن آمریکایی‌ها در آن دوره می‌توانستند در چنین فیلم‌هایی صحنه‌های جنسی سانسور نشده‌ای را ببینند که نمی‌توانستند در فیلم‌های دیگر مشاهده کنند. اما امروزه مردم به فیلم‌هایی علاقه نشان می‌دهند که در آنها مایه‌های مذهبی لحنی غیر مستقیم و تلویحی داشته باشند مثل «برخورد نزدیک از نوع سوم» و یا حتی «ای تی موجود فرازمینی»!



با وجود آنکه کاتزنبرگ و دستیارانش عالمانی خبره از دین اسلام، مسیح و یهود را به عنوان مشاوران مذهبی این اثر استفاده کرده‌اند اما داستان شاهزاده مصر با روایت حضرت موسی در انجیل معروف به «سفر خروج» Exodus تفاوت‌های آشکاری دارد که سعی می‌شود در این مقاله به تک تک آنها اشاره شود. البته هدف بیشتر اشاره به تحریفات مفهومی مهم در فیلم است که پس از این موارد به آنها پرداخته خواهد شد.

اولین نکته‌ای که بایدیدن شاهزاده مصر به ذهن می‌رسد، از آب گرفتن موسی (ع) توسط دختر فرعون است. در حالیکه در انجیل این کار به دست همسر فرعون انجام می‌شود. یکی دیگر از تفاوت‌های ابتدایی فیلم با انجیل مربوط به مادر موسی می‌شود. در این بخش «یوکابد» از بچه‌اش پرستاری نمی‌کند و در حقیقت او حتی سعی نمی‌کند تا به نزد دختر فرعون برود و موسی (ع) را شیر دهد. نکته آزاردهنده دیگر، سکانس مربوط به مسابقه ازابه رانی بین موسی (ع) و پسران فرعون است که کاملاً از فیلم تاریخی بن هور دزدیده

خود در دیزنی یعنی «مایکل ایسنز» انتقام بگیرد. «امی والاس» از نویسندگان لوس آنجلس تایمز در مقاله طویل خود در این باره چنین نوشت: «هیچ معلوم نیست که چرا کاتزنبرگ داستانی از انجیل رادستمایه اولین تجربه کارتونی شرکت خود قرارداد داده است. شاهزاده مصر برخلاف سبک متداول آثار دیزنی، مایه‌های کمیک چندان قوی ندارد و در اصل برای مخاطبان بزرگسال ساخته شده است تا کودکان کم سن و سال! و به همین دلیل ریسک بزرگی برای دریم‌ورکز محسوب می‌شود».

«جیمزورنیری» نیز در روزنامه بوستن هرالد سئوالی را با چنین مضمونی مطرح کرد: «آیا شاهزاده مصر قادر خواهد بود دریم ورکز را به عنوان رقیب شماره یک دیزنی در عرصه پرسود فیلم‌های کارتونی بلند مطرح کند؟».

«کریس وودیارد» از روزنامه معتبر USA TODAY نیز مورد مشابهی را مطرح ساخت: «آیا تماشاچیان از کارتونی که مضمونی مذهبی دارد و در آن حتی یک شترسختگو وجود ندارد، استقبال خواهند کرد؟ اگر اینطور شود آنوقت می‌توان گفت که شاهزاده مصر قوانین سنتی انیمیشن را در گون ساخته است».

در هر حال این اثر با استقبال چشمگیری از سوی مخاطبان روبرو نشد و عملاً نشان داد که علاقه آمریکائیان به آثاری که براساس داستان‌های مذهبی و در دوره پس از جنگ جهانی دوم ساخته شده بودند، دلایل دیگری داشته است. در آن زمان سازندگان چنین آثاری سعی می‌کردند شباهت‌هایی بین شخصیت‌های خبیث فیلم‌های خود با نگرانی‌های فزاینده

شده است. باید توجه داشت که طبق نظر مصریان باستان فرعون و تمام اعضای خانواده اش، مقدس و فراتر از دنیای فانی انسان‌های دیگر بودند و بنابراین هرگز راضی نمی‌شدند در چنین مسابقاتی شرکت کنند.

تفاوت‌های آشکار دیگری نیز در سکانس قتل یکی از افراد فرعون توسط موسی (ع) به چشم می‌خورد. طبق روایات انجیل، این قتل با قصد قبلی انجام می‌شود و بهمین دلیل است که موسی (ع) در انجیل قبل از ارتکاب این عمل به دوروبر خود می‌نگرد تا مبادا کسی در آن حوالی باشد. سپس مصریان از موضوع باخبر می‌شوند و فرعون که بسیار خشمگین شده است، فرمان اعدام موسی (ع) را صادر می‌کند. البته من همیشه با خواندن این بخش از انجیل از خود پرسیده‌ام: «آخراً باید مصریان به قتل یکی از افراد فرعون توسط پسر فرعون اهمیت دهند؟» شاید کمی از خود واکنش نشان دهند، اما فرعون هرگز راضی نمی‌شود به خاطر کشته شدن یکی از افرادش، پسر خودش را اعدام کند (شاید هم فرعون فهمیده بوده که موسی (ع) عبرانی است که باز هم نمی‌تواند یک دلیل منطقی باشد زیرا در این صورت عمل موسی (ع) نوعی شورش تلقی می‌شد). در هر دو صورت فیلمنامه نویسان «دریم‌ورکز» روایت انجیل را دستکاری کرده‌اند و در فیلم شاهد هستیم که مصریان به قتل این شخص، هیچ اهمیتی نمی‌دهند و آنرا امری تصادفی تلقی می‌کنند!

هارون برادر حضرت موسی بر اساس متن انجیل سخنگوی او در برابر فرعون محسوب

می‌شود. اما در «شاهزاده مصر» اونقش مهمی ندارد و حتی در طول فیلم، حمایت چندانی از موسی (ع) نمی‌کند!

شاید تهیه کنندگان با کمبود وقت مواجه بودند، یا اینکه فکری کردند اشاره به آن، فیلم شان را خیلی «یهودیزه» می‌کند! (یهودیزه چیزی است مثل ماشینیزه!)

در پایان این بخش باید گفت که طبق روایت انجیل، موسی (ع) در سن ۸۳ سالگی نزد فرعون رفت و از او خواست تا اجازه دهد قوم بنی اسرائیل از قید بردگی آزاد شوند. اما جالب است که بدانید حضرت موسی (ع) در تمام فیلم‌های هالیوودی چهره‌ای بسیار جوان داشته است! شاید هم هالیوود از قهرمانان کهنسال خوشش نمی‌آید، هر چه باشد آدم باید هوای گیشه را هم داشته باشد!!

همانطور که پیشتر نیز عرض شد، هدف از نگارش چنین مقاله‌ای اشاره به تحریفات مهم معنایی در شاهزاده مصر است. در سفر خروج اشاره شده است که حضرت «شعیب» پدر «صفورا» وی را به عنوان هدیه به موسی (ع) تقدیم می‌کند. در حقیقت او هیچ حق انتخابی در این ازدواج سستی ندارد و در هیچ بخش از انجیل به رابطه رمانتیک او با موسی (ع) اشاره نشده است. اما در این فیلم موسی (ع)، در مصر با همسر آینده‌اش آشنا می‌شود و در حالیکه پدر صفورا کیلومترها با او فاصله دارد و در سرزمین دیگری زندگی می‌کند و مهمترین هیچ نقشی در ازدواج دخترش ندارد. علاوه بر این دلیل اصلی علاقه مندی موسی (ع) به صفورا زیبایی و شخصیت جسورانه اوست. به عبارتی دیگر در این فیلم صفورا به جای آنکه طبق روایت انجیل یک دختر و همسر سرسره راه و عفیف باشد، به یک زن

به عبارت دیگر، در انجیل قهرمان واقعی خداوند است و اوست که باعث رهایی قوم عبرانی از دست برده داران می‌شود. همچنین اوست که حتی پس از آنکه این قوم ایمان خود را ازدست می‌دهد، هنوز هم آنان را یاری می‌دهد. اما در شاهزاده مصر قهرمان اصلی موسی (ع) است زیرا او قادر است با حفظ ایمان خود، دست به معجزه بزند. همین موضوع باعث می‌شود تا فیلم از نظر مضمونی به اثری کاملاً معمولی تبدیل شود که در آن بشر با غلبه بر مشکلات، به پیروزی می‌رسد، چیزی که در فیلم‌های هالیوودی به کرات یافت می‌شود. و دلیل دیگر آن نیز پایان خوش شاهزاده مصر است. اما انجیل روایت گر عشق جاودانه پروردگار نسبت به بشریت است، عشقی که حتی با خیانت موسی (ع) و قومش نیز ادامه می‌یابد. علاوه بر آن در انجیل داستان موسی (ع) پایان خوشی پیدا نمی‌کند. او در پایان روایت به بالای کوهی بلند می‌رود و در آنجا نظاره گر «سرزمین موعود» می‌شود، سرزمینی که هرگز بدان وارد نمی‌شود. البته شاید بعضی از سینماورها مایل باشند ورژن مدرنی از روایت «سفر خروج» را که در آن موسی (ع) و صفورا مثل قهرمانان کمال‌گرا به تصویر کشیده شده‌اند، تماشا کنند، اما باید در نظر داشت که حتی قدرتمندترین قهرمانان نیز نمی‌توانند با قدرت پروردگار برابری کنند، بنابراین داستان اصلی حضرت موسی (ع) بر اساس انجیل، هم واقعی تر است و هم صادقانه تر.

در پایان یکبار دیگر تأکید می‌کنم که فیلم **شاهزاده مصر** تلاش اصلی شرکت فیلم سازی دریم ورکز برای به چالش طلبیدن دیزنی به

افسونگر غربی تبدیل شده است. از این مسأله مهم تر، تأکید فیلم بر «قهرمان بازی» شخصیت‌های آن است، در حالی که در انجیل «پروردگار» متعال قهرمان اصلی داستان است و اوست که موجب رهایی موسی (ع) و قومش می‌شود. البته در بخش‌های مختلف این کارتون شاهد وقوع انواع معجزات هستیم، ولی در مجموع نقش حضرت موسی (ع) در نجات قومش بسیار پررنگ تر از نقش پروردگار است. برای اثبات این مسئله لازم است نظر شما را به ترانه‌ای که «یوکابد» به همراه قوم بنی اسرائیل در بخشی از فیلم می‌خواند جلب کنیم:

«معجزه حقیقت دارد»

«اگر به آن ایمان داشته باشید»

«با وجود آنکه امید، ضعیف است»

«اما نمی‌توان آنرا از بین برد»

«اگر ایمان داشته باشید»

«شما هم می‌توانید خالق معجزه باشید»

اما در انجیل ترانه‌ای که «یوکابد» می‌خواند

مضمونی کاملاً متفاوت دارد:

«بخوان به عشق پروردگار، زیرا او»

«به طرز شکوهمندانه‌ای پیروز گشته»

«او اسب و سوارش را به دریا افکنده»

سفر خروج باب ۱۵ آیه ۲۱

و در ادامه قوم بنی اسرائیل یکصدا می‌خواند:

«من به عشق پروردگار خواهم خواند»

«زیرا او به طرز شکوهمندانه‌ای پیروز شده»

«او اسب و سوارش را به دریا افکنده»

«یاد پروردگار، نیرو بخش من است»

«و باعث رستگاری من شده است»

سفر خروج باب ۱۵ آیه ۲۱

عنوان استاد انیمیشن سازی است. این واقعیت که گروه انیمیشن سازی دریم ورکز داستانی را از انجیل انتخاب کرده و از آن به عنوان پایه و اساس این انیمیشن چشم نواز استفاده کرده، در نوع خود قابل توجه است. داستان سرگذشت طولانی حضرت موسی و آزادی قوم بنی اسرائیل از چنگال بردگی نیز با کشش و شور و اشتیاق فراوانی به تصویر کشیده شده است، درست مثل فیلم کلاسیک «ده فرمان» ساخته «سیسیل دیمیل». گروه انیمیشن سازی دریم ورکز توانسته‌اند با ترکیب رنگ، موسیقی و انیمیشن با یکدیگر، صحنه‌هایی باشکوه خلق کنند که می‌تواند با بهترین آثار دیزنی رقابت کند. در کل شاهزاده مصر موفقیتی بزرگ برای رؤسای دریم ورکز یعنی جفری کاتزبرگ و استیون اسپیلبرگ محسوب می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی